

توانمندسازی بازوی دولت در حکمرانی متعالی از دید تمرکززدایی و توسعه حکمرانی استانی

مرتضی خادمی کوهی^۱، سید محمد ذوالفقاری^۲، احمد بیگلری^۳، روح‌الله خادمی کوهی^۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

در عصر جهانی‌شدن و حکمرانی جهانی، نظریه‌های حکمرانی خوب به‌صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و تجانس‌نداشتن و همخوانی آن با شاخص‌های فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی، اندیشمندان اسلامی را برآن داشت که به تبیین مفهوم حکمرانی متعالی و مؤلفه‌های آن بر ساختارهای یک حکومت با الگوگیری از سیره حکومت‌داری نبوی و سبک زندگی مفاخر بپردازند. در این جستار، ابتدا «حکمرانی متعالی و حکمرانی خوب» و مؤلفه‌های آن با روش «توصیفی - تحلیلی» بررسی خواهد شد؛ سپس در گام بعد «تأثیرات تمرکززدایی بر شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی در فضای تقسیمات سیاسی کشور و چگونگی کارکرد آن در توانمندسازی دولت به‌منظور دستیابی به حکمرانی متعالی» با رویکرد تجزیه و تحلیل داده‌های آماری مورد پژوهش قرار می‌گیرد. سرانجام چشم‌اندازی بر مبنای تجزیه و تحلیل روندها برای اولویت‌بندی مدیریت و سیاست‌گذاری راهبردی در این حوزه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی متعالی، حکمرانی خوب، توانمندسازی دولت، تمرکززدایی، حکمرانی استانی.

۱. نویسنده مسئول: گروه هوافضا، دانشکده مهندسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

morteza.khademikouhi@mail.um.ac.ir

۲. مدیر زائران غیر ایرانی، حرم مطهر امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران. mohammad.zolfagari@gmail.com

۳. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. abiglari88@gmail.com

۴. کارشناس سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی شهرداری مشهد، مشهد، ایران.

r.khademikouhi@gmail.com

مقدمه

حکمرانی، فرایند قانون‌گذاری، اجرای قوانین، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها از روش به‌کارگیری قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدفی مشترک برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط سازمان یا کشور است. در حکمرانی، مردم و دولت با هم در تعامل هستند. ظرفیت هر حکمران بستگی به هماهنگی وی با ارزشها، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد (پی‌یر و پیترز، ۲۰۰۵: ۷ - ۵). حکمرانی، انجام یا نوع روش حکومت‌کردن، جایگاه و کارکرد حکومت‌کردن است (کایر، ۱۳۸۶: ۳). در دایره‌المعارف سیاسی «هریتیج»، مفهوم حکمرانی این‌گونه تعریف شده است: فعالیت، چگونگی اجرا یا قدرت فرمانروایی. در دایره‌المعارف سیاسی آکسفورد حکمرانی، انجام‌دادن یا چگونگی فرمان‌دادن کارهای کنترل‌کننده یا توانایی اعمال نظر بر زیر دستان نظامی از راه قانون‌ها و آئین‌نامه‌ها تعریف شده است (زارعی، ۱۳۸۳). از میان تمام تعاریف حکمرانی، دیدگاه کافمن و همکاران در بانک جهانی درباره حکمرانی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. براساس این تعریف، حکمرانی بر پایه سنت‌ها و سازمان‌هایی بنا شده است که بر اساس آن، اقتدار در یک سرزمین اعمال می‌شود. این خود شامل: ۱. روندی که بر اساس آن، فرمانروایان انتخاب می‌شوند، بر فعالیت آنها نظارت می‌شود و هم‌چنین تغییر پیدا می‌کند. ۲. گستره توانایی حکومت برای تدوین و اجرای کارآمد سیاست‌های صحیح. ۳. احترام و تعامل فی‌مابین شهروندان و سازمان‌های مجری و اداره‌کننده فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی (کافمن و لابتون، ۱۹۹۹). چیببا^۱ بر این اعتقاد دارد که مفهوم حکمرانی دو کاربرد دارد: اول، تمام شمول اداره‌کننده یک ملت مانند: سازمان‌ها، سیاست‌ها، قانون‌ها، فرایندها و سازوکارهای نظارتی. دوم، مجموعه آداب و فرهنگ و هم‌چنین دیدگاه‌های اعتقادی مربوط به حکمرانی، مانند ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها و تفکرات اعتقادی که در این موضوع وجود دارد (چیببا، ۲۰۰۹: ۷۹).

حکمرانی خوب

امروزه نظریه حکمرانی خوب، پس از سیر و تحول نظریه‌های گوناگون در باب دولت، به‌عنوان جدیدترین نظریه در این حوزه، در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط بانک جهانی بیان شد. حکمرانی خوب مفهومی سیاسی در زمینه دولت بیان نمی‌کند؛ بلکه سعی در نزدیک کردن دولت به

وضعیت مطلوب آن است. «حکمرانی خوب» مفهومی است که بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌ها) به‌منظور دستیابی به توسعه در هر کشوری می‌داند. توسعه پایدار اجتماعی از روش اتحاد و مشارکت اجتماعی به‌عنوان سرمایه اجتماعی و رفع نیازهای اساسی شهروندان و ایجاد رضایت مردمی بر اساس الگوی توسعه اجتماعی، ایجاد فرصت و ظرفیت‌سازی، رعایت حقوق شهروندی، تبعیض و فقرزدایی، توانمندسازی از اهداف حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود (گرچی، ۱۳۹۶: ۱۵۸ - ۱۰۹). بر اساس این نظریه، جوانب گوناگون مردمسالاری مانند انتخابات، کثرت مشارکت شهروندان در فریند تصمیم‌گیری، نظام نمایندگی، پرهیز از تمرکز سیاسی، افزایش سطح جامعه مدنی، آزادی‌های اجتماعی، مقبولیت دولت بسیار حائز اهمیت است؛ لذا براساس این نظریه، مفهوم حکمرانی خوب شامل دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌شود (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در این جستار می‌توان به چند موضوع مهم پی برد. اول اینکه حکمرانی خوب پدیدآورنده روابط و تعاملات حمایت‌کننده بین دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی عنوان می‌شود. دوم اینکه ضرورت سازوکاری بسیار قدرتمند برای آسان‌سازی تعاملات این طیف‌ها باتوجه به ماهیت و نوع روابط فی‌مابین بسیار مهم و اساسی است. سوم، مفهوم حکمرانی خوب بر اساس مؤلفه‌های مشارکت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، شفاف‌بودن فرایند تصمیم‌سازی، حاکمیت قانون و آزادی‌های مدنی قابل بیان است (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۹). حکمرانی خوب تلاشی است برای استقرار حاکمیت قانون شفافیت، مشارکت حداکثری شهروندان، مسئولی‌پذیری، برابری و تبعیض‌زدایی، کارآمدی، اثربخشی، پاسخگویی و اتخاذ دیدگاه راهبردی در اقتدار سیاسی، اداری و اقتصادی (میدری، ۱۳۸۳: ۶).

مبانی نظری حکمرانی خوب

در ابتدا حکمرانی خوب رویکردی اقتصادی داشت. به این معنا که هدف از آن توسعه اقتصادی بود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶). در ادامه باتوجه به این موضوع که دولت به‌عنوان یکی از عوامل مهم در میان شاخص‌های آن، باید توانمند و تأثیرگذار باشد، جنبه سیاسی نیز پیدا کرد. از نگاه اقتصادی برای حکمرانی خوب سه دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاه دولت بزرگ

با اتمام جنگ جهانی دوم و شروع بازسازی ویرانی‌ها، بیشتر سیاستمداران و نظریه‌پردازان بر این اعتقاد داشتند که یگانه عاملی که می‌تواند ویرانی‌ها را بازسازی کند و با موفقیت رکود اقتصادی را پشت سرگذاشت و سبب توسعه اقتصادی شود همانا دولت است. به این سبب دولت علاوه بر سیاست باید در زمینه اقتصادی نیز پیشرفت و گسترش یابد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این نظریه از سوی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب تا پایان دهه ۷۰ میلادی اجرا می‌شد (حسینی تالش و واثق، ۱۳۹۳).

۲. دیدگاه دولت کوچک

در اواخر دهه ۷۰ میلادی ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه‌ی دولت بزرگ نمایان شد. به بیان دیگر، نقش جایگاه دولت (دولت بزرگ) که در اداره امور و تدوین و برنامه‌ریزی است و جایگزین کارکرد ابتدایی گروه‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی و بخش خصوصی شده، به آرامی در حال محو شدن است و در بیشتر موارد، مشاهده می‌شود که جای خود را به مفهوم جدیدی داده است (رهنورد، ۱۳۸۸: ۲). از دلایل ناکارآمدی این دیدگاه می‌توان به تجمع زیاد نیروی انسانی در بنگاه‌های دولتی اشاره کرد که سبب ایجاد بازدهی نزولی این بنگاه‌ها شده است (نادری قمی، ۱۳۹۰). با ناکارآمدی نظریه‌ی دولت بزرگ، زمینه برای ظهور نظریه‌ی دولت کوچک فراهم شد که با نام‌های دیگری همچون مکتب شیکاگو، اقتصاد بازار، نئولیبرالیسم، تعدیل بازار و اجماع واشنگتنی نیز یاد می‌شود. براساس این رهیافت، دولت باید کوچک شود و سهم آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کمتر شود؛ لذا دولت باید کمتر در بازار ورود پیدا کند و بیشتر کارها را به نیروهای بازار بسپارد. براساس دیدگاه هواداران این رهیافت، کاهش نقش دولت و خصوصی‌سازی کمال مطلوب تعیین می‌شود و به انتخاب مردم، قیمت و قدرت بازار و کارایی رقابت اعتقاد دارند؛ لذا دیدگاه به نقش دولت به‌عنوان عامل توسعه به بزرگترین مانع توسعه تغییر کرد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

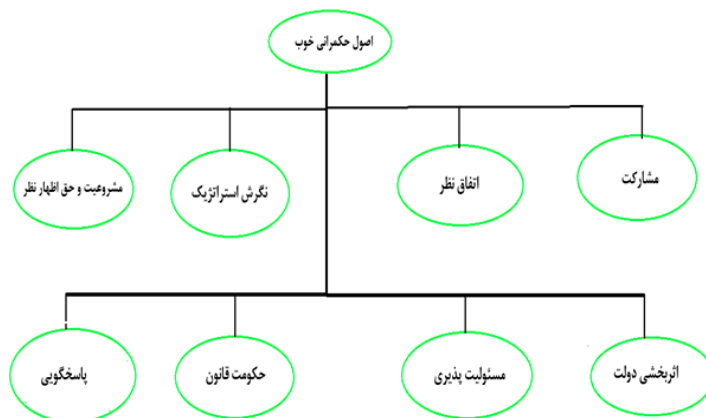
۳. دیدگاه حکمرانی خوب

در سال‌های پایانی دهه ۹۰ میلادی نظریه‌ی حکمرانی خوب مطرح شد که ایرادات نظریه‌های قبل مانند تأکید بر تجمع نیروی کار در دولت و ایجاد بازدهی کاهشی در نظریه دولت بزرگ که منتج به پیدایش تورم و بیکاری همزمان در کشورهای غربی شده بود را برطرف کرده بود (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳: ۱۴). رهیافت دوم نیز خالی از ایراد نبود. یکی از ایرادات بازار آزاد، حتی در

بهترین اقتصادهای رقابتی دنیا مانند امریکا، این است که در صورت تنظیم نکردن بازار آزاد توسط دولت، سبب ایجاد بحران و ورشکستگی اقتصادی می شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۹)؛ یا به نقل از استریتن، بازار آزاد بدون مداخله و تنظیم دولت، نهادی بی رحم و زیانبار خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۸). بانک جهانی مفهوم حکمرانی خوب را بر اساس توانمندی دولت مطرح کرده است و دو راهبرد برای افزایش توانمندی دولت پیشنهاد کرده است: اول مطابقت ظرفیت‌ها با کارکردهای دولت؛ دوم افزایش و گستره توانایی‌های دولت. مقصود از راهبرد اول این است که گستره توانایی‌های دولت مانند هر نهاد دیگری محدود است؛ لذا باید ظرفیت‌های خود را به کارهایی اختصاص دهد که اولویت بیشتری دارد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶۳). این اولویت‌بندی باید توسط مردم انجام شود، به دلیل اینکه اولویت از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. مقصود از راهبرد دوم یا توانمندسازی دولت، تمرکززدایی، اصلاح نظام قضایی، مبارزه با فساد، شایسته‌سالاری، پیوستن به معاهدات بین‌المللی و شفاف‌سازی است. کمال مطلوب از دید حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی است.

۴. شاخص‌های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب به معنای دولت خوب نیست؛ زیرا تمام نهادهای جامعه مدنی در دولت جمع نشده است و برخی نهادها نیز به نوبه خود در فرایند اداره کشور مشارکت دارند؛ اما بین بسیاری از صاحب‌نظران همگرایی نظری وجود دارد که شرط لازم حکمرانی خوب، وجود دولت خوب است. شاخص‌های مهم حکمرانی خوب و مؤلفه‌های تأثیرگذار در تقویت این شاخص‌ها به صورت زیر بیان می شود که دولت‌ها با احترام نهادن به این شاخص‌ها و اجرایی کردن آنها، می توانند قدم‌های مؤثری در فرایند توسعه پایدار بردارند.



شکل ۱. اصول حکمرانی خوب

۱.۴. مشارکت

درصد مشارکت مستقیم و غیر مستقیم (از طریق سازمان‌های قانونی) شهروندان در امور جامعه از مهم‌ترین شاخص‌های بنیادی حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. ایجاد فرصت برای تمام شهروندان جامعه به‌منظور مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی از راه آزادی بیان برای ارائه نظر، نظرسنجی، دارابودن نمایندگانی در فرایند تصمیم‌سازی، تشکیل و برگزاری همایش‌ها، انجمن‌ها و تجمعات از مصداق‌های مشارکت شهروندان در امور جامعه است.

۲.۴. عدالت و حاکمیت قانون

یکی دیگر از شاخص‌های مهم حکمرانی خوب، تدوین و اجرای قوانین و مقررات عادلانه‌ای است که حقوق شهروندی تمام مردمان به‌ویژه اقلیت‌های جامعه را در بر می‌گیرد و حمایت کامل می‌کند، که این خود سبب به‌وجود آمدن احساس و رضایت خاطر در تمام اقشار جامعه می‌شود و در این وضعیت، منافع آنان در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها در نظر گرفته شده است و فرصتی برابر برای همه گروه‌ها برای شرکت در این فرایندها وجود دارد؛ لذا اجرای شایسته و عادلانه قوانین بدون محدودیت خاص در جامعه، نیازمند وجود نظام قضایی مستقل و هم‌چنین پلیس فسادناپذیر به‌عنوان بازوی اجرایی این نظام است. پیروی از قانون به‌معنای اطاعت از قوانینی است که به‌صورت رسمی تدوین شده است.

۳.۴. عملکرد دولت (اثربخشی دولت)

منظور از این شاخص، توانمندی دولت در کیفیت تدوین و اجرای قوانین و مقررات و سیاست‌های مصوب از راه بکارگیری و استفاده از افراد متخصص و مهارت‌های مدیران و کارآمدی دیوانسالاری است؛ یعنی توانایی دولت در تدوین دقیق و به‌موقع بودجه‌های سالانه، جمع‌آوری درآمدهای دولت از محل مالیات، نظارت دقیق بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های کشور و توانایی دولت در حل مشکلات اقتصادی است که نقش پر رنگی در توسعه پایدار سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کند. هر اندازه دولت با تدوین قوانین و سیاست‌های گوناگون زمینه حضور گسترده و تأثیرگذاری بخش خصوصی در جامعه را فراهم کند شاخص توسعه پایدار و حکمرانی خوب افزایش یافته است و بالعکس.

۴.۴. افق راهبردی

رهبران جامعه دیدگاهی وسیع دارند و باتوجه به پیچیدگی‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی در حوزه حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی و انسانی و هر آنچه که برای دستیابی به توسعه پایدار لازم است، آگاهی و شناخت دقیق و کامل و بلندمدت از جامعه دارند.

۵.۴. مهار فساد

مهار فساد اداری یکی از شاخص‌های مهم حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این شاخص می‌توان مواردی همچون گستردگی روابط خانوادگی، سوء استفاده از قدرت به‌منظور تأمین منافع دوستان، میزان فساد اداری در کشور، گستره دیوانسالاری، میزان گستردگی پرداخت‌های غیر قانونی برای پیشبرد کارها و میزان بی‌اعتمادی عمومی را نام برد. افزایش این مؤلفه‌ها به‌منزله حکمرانی ضعیف است و کاهش آن به‌منزله افزایش حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود.

۶.۴. شفافیت

شفافیت را می‌توان به‌معنای اطلاع شهروندان جامعه از روند اتخاذ و فرایند اجرای تصمیمات تأثیرگذار بر مردم دانست. هم‌چنین می‌توان شفافیت را دسترسی آسان به جریان آزاد اطلاعات تعریف کرد. در این صورت است که رسانه‌های جمعی و اجتماعی به‌آسانی توانایی بررسی و نقد تصمیمات و رویکرد سیاست‌های اتخاذشده توسط نظام تصمیم‌گیری و اجرایی دولت را دارند.

۷.۴. مسئولیت پذیری و پاسخگویی

مسئولیت‌پذیری و مسئول بودن سازمانها، ادارات، نهادها و بخش خصوصی برای نتایج سیاست‌ها و تصمیمات خود و پاسخگویی بر اساس چارچوب قانونی و بازه زمانی معین در برابر کارکنان و ارباب رجوع با حفظ تکریم شأن و منزلت آنان، از جمله مؤلفه‌هایی است که سبب تقویت پایه‌ها و پایداری حکمرانی خوب در جامعه می‌شود.

۸.۴. اتفاق نظر (وفاق ملی)

ایجاد فرصت بیان نظر و دیدگاه‌های متفاوت در زمینه عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از شاخص‌های حکمرانی خوب است. حکمران خوب باید دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون شهروندان و گروه‌ها را از راه وفاق و اجماع ملی عمومی به‌سوی هدایت کند که از بیشترین همگرایی با آرمان‌ها و اهداف کلی جامعه برخوردار باشد.

۵. حکمرانی متعالی

از بعد نظری، حکمرانی خوب به‌صورت قابل قبولی در کشورهای توسعه‌یافته محقق شده است؛ اما در کشورهای اسلامی با توجه به این موضوع که ریشه نظریه حکمرانی خوب بر اساس تفکر لیبرالیسم و اومانیسم است و با روش‌ها، راهبردها و شاخص‌های فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی تجانس و همخوانی ندارد، اندیشمندان اسلامی را بر آن داشت که با تبیین مفهوم حکمرانی متعالی (حکمرانی مطلوب اسلامی) و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن بر ساختارهای حکومت، با الگوگیری از آموزه‌های قرآنی و سیره حکومت‌داری نبوی و علوی و سبک زندگی مفاخر و شرایط فرهنگی و ملی و فراملی این جوامع، به‌صورت دیدگاه منحصر بفردی باعنوان نظریه حکمرانی متعالی بیان کنند. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند. به این دلیل حکمرانان تا زمانی مشروعیت دارند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام در زمینه امامت و خلافت می‌فرمایند: مادامی که پایه‌های دین خود را محکم نگه دارید، هیچ آسیبی از خسارت‌های دنیوی به شما نمی‌رسد، اما هرچه از دنیا به‌دست آورید، اما دیتتان را از دست بدهید، هیچ سودی برای شما نخواهد داشت (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳).

ایشان به فرمانداران خود می‌فرمودند که هوشیار باشید و مبادا برای آبادانی دنیای خویش، دین و آخرتتان را تباه کنید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۶). حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام برای حکومت و حکمرانی شاخص‌هایی مطرح کرده‌اند و در صورتی که حکمرانی این شاخص‌ها را

داشته باشد «حکمرانی متعالی» است و در غیر این صورت «حکمرانی غیر مطلوب و غیر شایسته» است؛ لذا تفاوت میان حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی بر اساس همین شاخص‌ها مشخص می‌شود؛ بنابراین شاخص‌هایی که در حکومت‌داری نبوی و حکومت علوی بیان شده است، در هر حکومتی باشد، حکومت متعالی (شایسته اسلامی یا مطلوب اسلامی) خواهد بود. شاخص‌های حکمرانی متعالی بر اساس دیدگاه امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام به شرح زیر است که در ظاهر با شاخص‌های حکمرانی خوب مشابه، اما از لحاظ عمق معنا متفاوت است.

۶. شاخص‌های حکمرانی متعالی

۶.۱. پاسخگویی

برخلاف حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، پاسخگوبودن را در پاسخگویی اجتماعی محدود نمی‌کند؛ بلکه با گستره بیشتری می‌داند که همان پاسخگویی به خداوند متعال است. باید تمام گفتار، کردار، جنگ‌ها، صلح‌ها، موضع‌گیری‌ها بر پایه رهنمودها و آموزه‌های دین اسلام باشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶). در حکمرانی متعالی، پاسخگویی منحصر به مردم نیست؛ بلکه شامل تمام مدیران است و خود آن حضرت به‌عنوان حاکم و رهبر حکومت اسلامی نیز مسئول و پاسخگو هستند. همان‌گونه که امام علی (ع) در نامه‌ای به ابن عباس حاکم بصره می‌فرماید: از آنچه بر زبان و دست تو جاری می‌شود، چه نیکو باشد یا بد، تا جایی که می‌توانی کارها را با مدارا کردن انجام ده؛ زیرا در کارهایی که تو انجام می‌دهی من و تو شریک هستیم (نهج‌البلاغه، نامه ۱۸).

۶.۲. حاکمیت قانون (قانون مداری)

یکی دیگر از شاخصه‌های حکومت علوی و حکمرانی متعالی، حاکمیت قانون است. مقصود از حاکمیت قانون در حکمرانی متعالی، اجرای قوانین الهی در تمام زمینه‌ها و تمام افراد جامعه است (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲). هیچ فردی از جامعه با توسل به پول و قدرت خود نخواهد توانست از قانون فرار کند و هیچ فرد ستم‌دیده‌ای نیز ترسی از پایمال‌شدن حقوق خودش نخواهد داشت. امام علی (ع) در مقابل اصرار افرادی که از ایشان می‌خواستند تا امر خلافت را بپذیرد، به این مسئله تأکید می‌فرمودند که حکومت ایشان حکومت قانون است و به هیچ‌گونه توصیه‌ای، درخواستی، امتیازخواهی و زیاده‌خواهی گوش فرا نخواهند داد و آنچه را که قانون و فرمان خداست جاری خواهند کرد. هرچند بعضی افراد رنجیده‌خاطر شوند و از این موضوع خوششان نیاید (محدثی، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

۳.۶. شفافیت

یکی دیگر از شاخصه‌های حکومت علوی و حکمرانی متعالی، شفافیت است. مقصود از شفافیت رساندن اطلاعات لازم به شهروندان است. سیاست امیرالمؤمنین(ع) اطلاع مردم از برنامه‌ها و تصمیمات آن حضرت بود. هر تصمیمی که اتخاذ می‌کردند به آگاهی مردم می‌رساندند. تا آنجا که اگر فردی وارد جامعه اسلامی می‌شد، می‌توانست در کوتاه‌ترین زمان چگونگی حکمرانی امام علی علیه‌السلام را بفهمد و با ارتباط میان قسمت‌های گوناگون آن (چه از دید نظری و چه از دید عملی) به تطبیق میان واقعیت‌ها و مطالب مطرح‌شده در متون دینی در مورد حکومت بپردازد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۳: ۱۶). امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: آگاه باشید، حقی که شما بر دوش من دارید این است که جز اسرار جنگ چیزی را از شما مخفی نکنم و جز اجرای فرامین و احکام الهی کاری را بدون مشورت شما انجام ندهم. حقی را که مال شماست از زمان خود به تأخیر نیندازم و تا به انجامش نداده‌ام دست بر ندارم و حق شما را به برابری و مساوات بدهم (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰).

در حکمرانی متعالی، فرمانروایان وظیفه دارند آنچه را خداوند فرمان داده به‌صورت شفاف به اطلاع مردم برسد، ابلاغ کنند؛ لذا اراده پروردگار نقش اساسی دارد.

۴.۶. کارآیی و اثربخشی

امیرالمؤمنین امام علی(ع) برای کارایی و اثربخشی، سه راهبرد زیر را تبیین می‌فرماید: اول، به مالک اشتر فرمان می‌دهند که مالیات را از شهروندان جمع‌آوری کرده و در مسیر آبادانی شهرها مصرف کند (نهج‌البلاغه، ۱۸). دوم، زمانی مردم امکان پرداخت مالیات را دارند که توسعه کسب و کار و آبادانی شهرها این امکان را فراهم ساخته باشد که مردم بتوانند مالیات بدهند. هر حکومتی در زمانی که از آبادانی و توسعه کسب و کار خبری نباشد از مردم مالیات دریافت کند، شهرها را ویران ساخته و شهروندان را نابود خواهد کرد و حکومت نیز پایدار نخواهد بود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). سوم، با پرهیز از اسراف و زیاده‌روی، از تمام منابع به‌صورت عمومی و از وجوه مالیات به‌صورت خصوصی استفاده شود. ایشان می‌فرمایند: در نامه‌نگاری‌های بین خود (صاحب‌منصبان حکومتی) نوک قلم‌هایتان را تیز کنید و از فاصله بین سطرهای نوشته‌هایتان کم کنید تا ضمن پرهیز از اسراف از وارد آمدن هزینه‌های اضافی به بیت‌المال جلوگیری شود (نهج‌البلاغه، نامه ۲۰).

۶.۵. مبارزه با فساد

فساد به معنای سوءاستفاده از موقعیت یا جایگاه یا اعتماد عمومی در راستای تأمین منافع شخصی است. حضرت علی(ع) در تمام عمر پربرکت خویش با این موضوع به شدت برخورد کرده‌اند. ایشان به حاکمان خود می‌فرمایند: نباید در چیزی که متعلق به تمام مردم است برای خودتان امتیاز خاصی در نظر بگیرید (نهج‌البلاغه، ص ۲۱). ایشان طی نامه به حاکم بصره می‌فرمایند: به خدا قسم، اگر بفهمم که چه کم یا زیاد در اموال مسلمانان خیانت کرده‌ای، آنچنان بر تو سخت خواهم گرفت که اندک مال و تهی دست و خوار و پریشان حال گردی (نهج‌البلاغه، ص ۲۱). ایشان حتی به درخواست عقیل برادر بزرگ خود نیز گوش فرا ندادند. تمام اقدامات و کارهای امیرالمؤمنین در راستای مبارزه با فساد به‌شمار می‌آید (آرایی، ۱۳۸۸: ۴۹). ایشان اموالی که خلیفه سوم از بیت‌المال به بعضی افراد بخشیده بود را باز پس گرفتند و فرمودند: به خدا قسم، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می‌گردانم، که در عدالت گشایش است، و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر می‌یابد (نهج‌البلاغه، ص ۴۸). ایشان یکی از راهکارهای مفید در راستای مبارزه با فساد را افزایش حقوق و دستمزد بر می‌شمرند. ایشان می‌فرمایند: به کارمندان خود برس و رزق و روزی آنان را فراوان کن؛ چرا که آنان با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بهتر خواهند کوشید و از دستبرد به اموالی که در اختیارشان است، خودداری خواهند کرد. در این صورت است که اگر از دستور تو سرپیچی کرده، در امانت خیانت کنند، تو پیشاپیش حجت را بر آنها تمام کرده‌ای (نهج‌البلاغه، ن ۵۳).

آسیب شناسی تمرکزگرایی

علل پیدایش نظام متمرکز را می‌توان به‌صورت موارد زیر بیان کرد: ۱. ایجاد رویه وحدت برای پیشگیری از فروپاشی کشور ۲. حفاظت از منافع ملی و همگانی ۳. نظارت بر تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی و... در حالت معمول مرکز تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرای این برنامه‌ها پایتخت کشور است (رضایی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۰). در نظام متمرکز بالاترین جایگاه‌ها و نقش‌ها در سلسله مراتب سیاسی، سازمانی، اداری دست افراد معدود و خاصی قرار می‌گیرد. این نیز به‌نوبه‌خود سبب آسیب و کاهش مشارکت و رقابت سیاسی و افزایش نظارت حکومت مرکزی بر تمام شئون جامعه می‌شود. در زیر به برخی از این آسیب‌ها پرداخته شده است:

۱. تمرکز در صلاحیت‌های اداری

یکی از اساسی‌ترین الزامات تمرکز اداری، کنترل و نظارت کامل مرکز بر امور اداری محلی است. در این حالت جوامع محلی تنها به‌عنوان قسمت‌هایی از جغرافیای کشور به‌شمار می‌روند و با یکدیگر تفاوت نخواهند داشت و جوامع محلی مستقل نیستند (خوب‌روی پاک، ۱۳۸۴: ۶۷).

۲. تمرکز در صلاحیت‌های قانونی

تمرکز بر حوزه وظایف و اختیارات و صلاحیت کامل به‌عنوان تنها مرجع وضع قانون، سمبل اقتدار سیاسی و اراده دولت است. در این حالت دولت تلاش می‌کند تا قوانین یک‌دست و اجرای آن برای تمام شهروندان وضع نماید؛ لذا در این حالت دیگر مجالی برای پدیدآمدن نهادهای محلی برای شناسایی و تحقق خواسته‌های مردم آن ناحیه وجود ندارد (خوب‌روی پاک، ۱۳۸۴: ۶۷).

۳. تمرکز در صلاحیت‌های فنی

تمرکز و دخالت در امور تخصصی و فنی سبب پدیدآمدن و گسترش شبکه بزرگی از دیوانسالاری در پایتخت می‌شود که این خود سبب اظهارنظرهای سریع بدون بررسی‌های فنی و تخصصی لازم منطقه‌ای می‌شود.

۴. تمرکز در اختیارات تصمیم‌گیری

تمرکز در اختیارات سبب می‌شود که فقط دولت به‌عنوان تنها مرجع قانونی تصمیم‌گیری و اجرای آن به‌صورت هم‌زمان و مطلق معرفی شود؛ لذا دیگر دولت‌های محلی توانمند، فرصت ظهور پیدا نخواهند کرد.

۵. تمرکز در استخدام کارکنان

تمرکزگرایی دولت مرکزی در گزینش و استخدام تمام کارمندان اداری، برای دولت‌های محلی کارآمد آسیب جدی به‌شمار می‌آید. استمرار این روش تمرکز اداری، نهادهای محلی را از جذب و استفاده از نیروهای بومی و شایسته و کاردان محروم می‌سازد.

۶. الزام‌آوری قدرت

تمام مسائل مربوط به ایجاد صلح و امنیت توسط دولت ملی صورت می‌گیرد و تمام نیروهای نظامی تحت سیطره دولت ملی قرار می‌گیرند؛ لذا دولت‌های محلی فاقد هرگونه قدرتی خواهند بود.

حکمرانی استانی و لزوم تمرکززدایی

۱. حکمرانی استانی

در اواخر قرن بیستم میلادی به دلیل عدم کارایی دولت متمرکز، تفکر تغییر حکمرانی براساس نظریه حکمرانی خوب با مشارکت مردم در اداره امور و چگونگی واگذاری وظایف و مسئولیت‌های دولت به حکومت‌های محلی و استانی به‌عنوان یک امر اجتناب‌ناپذیر مطرح شد (جونز^۱، ۱۹۸۸: ۹۸۸ - ۹۵۹). مفهوم حکمرانی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. حکمرانی جهانی: این نوع حکمرانی با فضا و مسائل فراتر از قلمرو دولت‌های ملی تعریف می‌شود.

۲. حکمرانی ملی یا دولت‌های ملی: این نوع حکمرانی در قلمرو یک کشور تعریف می‌شود و شامل حکمرانی ملی، حکمرانی استانی، حکمرانی شهری و حکمرانی محلی است.

۳. حکمرانی سازمانی: این نوع حکمرانی فعالیت‌های گوناگون یک سازمان (اعم از دولتی یا خصوصی) را دربر می‌گیرد که معمولاً مدیران به هیئت مدیره پاسخگو هستند.

۴. حکمرانی محلی: این نوع حکمرانی در حوزه فعالیت جوامع محلی تعریف می‌شود (صانعی، ۱۳۸۵: ۲۶).

در این میان حکمرانی استانی را بر اساس ماهیت و کارکردهای ویژه آن و با مؤلفه‌هایی مانند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی مردم‌نهاد در سطح استانی، ساختار مردم‌سالارانه، تمرکززدایی، دقت بیشتر به منافع عمومی مردم، افزایش نقش و سهم و کارایی نهادهای جامعه مدنی و غیردولتی، ایجاد و توزیع فرصتها و عدالت اجتماعی، اثربخشی و راندمان بهتر و در آخر استفاده تمام شهروندان جامعه از رفاه و توسعه می‌توان نمونه‌ای مناسب و کارآمد در حوزه حکمرانی با عنوان دولت همیار و همکار (دولت ملی)، در بحث حکمرانی خوب بر شمرد. در این میان، تمرکززدایی (از ارکان دولت ملی)، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین اهداف حکمرانی استانی برای دستیابی به حکمرانی خوب است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵). دولت محلی (حکمرانی استانی) با هدف تعامل با بخش‌های گوناگون دولت ملی و بخش خصوصی در راستای افزایش ظرفیت و توانمندسازی و هم‌افزایی برای تصمیم‌سازی مطلوب است که این خود یکی از اهداف حکمرانی خوب است (ویسی، ۱۳۹۲: ۳). برخی کنشگران و نمایندگان دولت محلی، نهادهای غیر دولتی، بخش

خصوصی، جامعه مدنی و نمایندگان دولت ملی با شناسایی مسائل استانی و اولویت‌بندی آن در راستای تحقق خواسته‌ها و حل مشکلات با یکدیگر همکاری و تعامل می‌کنند که هدف مطلوب همانا حکمرانی خوب است (زاهدی، ۱۳۸۷: ۱۸۳). با تمرکززدایی کامل و توانمندسازی مردم در حوزه عمومی از روش انتقال حداکثری اختیارات در فرایند تصمیم‌گیری در اداره امور اداری و سیاسی می‌توان با توسعه و تقویت دولت محلی به‌عنوان دولت همکار، در راستای توسعه و پایداری دولت ملی گام برداشت (رحمت‌الهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۰ - ۵۷). از ویژگی‌های دولت‌های محلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تحت حاکمیت و سیطره دولت ملی است. ۲. توسط شهروندان آن محل و ناحیه انتخاب می‌شوند و نقش شهروندان بسیار پر رنگ است. ۳. نهادها و سازمان‌هایی با قلمرو محلی بوده و حوزه اختیارات آنها در مقیاس جغرافیای آن محل است. ۴. نهادها و سازمان‌های حقوقی هستند که امکان انعقاد معاهده و قرارداد با ادارت دولتی و خصوصی را دارند. ۵. از استقلال عمل و قدرت برای اداره امور و اجرای سیاست‌های مربوط به آن ناحیه برخوردار است. ۶. از منابع مالی لازم برخوردار است (بایرن^۱، ۱۹۸۶: ۳ - ۲). براساس میزان تمرکز و عدم تمرکز، می‌توان سازماندهی دولتی را به پنج دسته تقسیم کرد: ۱. نظام‌های متمرکز ۲. نظام‌های غیر متمرکز ۳. نظام‌های غیر متمرکز ۴. نظام‌های فدرال ۵. نظام‌های کنفدرال. سه نوع اول مربوط به نظام‌های دولتی و غیر دولتی یک‌پارچه و واحد است. در نظام فدرال، دولت‌های محلی خودمختار است، اما در عرصه سیاست خارجی مستقل نیست. اگر دولت‌های محلی در عرصه سیاست خارجی استقلال داشته باشند و در موارد خاصی تحت سیطره دولت مرکزی باشند، نظام کنفدرال برقرار است (شمس، ۱۳۹۶: ۳۰). بر اساس دیدگاهی دیگر می‌توان نظام‌های سیاسی را به سه دسته زیر تقسیم کرد: ۱. نظام تک ساخت^۲ ۲. نظام فدرال^۳ ۳. نظام ناحیه‌ای^۴ (گلاسنر و فاهرر^۵، ۲۰۰۴: ۱۱۹ - ۱۱۸).

-
1. Byren
 2. Unitary State
 3. Federal State
 4. Regional State
 5. Glassner & Fahrer

۲. تمرکززدایی

تمرکززدایی، یا نامتمرکز شده^۱ به معنای برقراری ارتباط بدون وجود مرکزیت خاص است. در حالت غیرمتمرکز، برای برقراری ارتباط و انجام هدف، مجموعه درگیر به طور مستقیم با یکدیگر تعامل می‌کنند و واسطه یا نهاد مرکزی در بین مسیر قرار ندارد. مقابل این تعریف، متمرکز قرار دارد که دارد و همه رویه‌ها و روش‌ها از درگاه مرکزیت عبور می‌کند و به مرحله ظهور خواهد رسید. تمرکززدایی فرایند توزیع کردن اداره تصمیم‌گیری به طور نزدیک‌تر به مردم است. توزیع بخش‌های اجرایی یا دولت در بخش‌هایی مانند مهندسی، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی، فناوری و اقتصاد را شامل می‌شود. هم‌چنین در زمینه توزیع جمعیت و اشتغال هم ممکن است کاربرد داشته باشد. تمرکززدایی راه مردم‌سالارانه کردن جامعه است؛ زیرا تصمیمات جمعی شهروندان را به هم نزدیک می‌کند و کمک مؤثری به ایجاد مردم‌سالاری محلی می‌کند. در واقع با تأکید بر تمرکززدایی به صورت کامل، دولت ملی این امکان را خواهد داشت تا با واگذاری قسمتی از مسئولیت‌های خود به مردم در قالب حکمرانی استانی، مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور استان و کشور را اجرا کند. به این ترتیب زمینه‌های همکاری بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی را پدید آورد. بدیهی است که در صورت اعتماد دولت ملی (در انتقال قسمتی از مسئولیت‌ها و وظایف خود به شهروندان، بخش خصوصی و جامعه مدنی)، همکاری و همگرایی بین دولت ملی و حکمرانی استانی آسان و محقق خواهد شد و این در واقع به منزله همگرایی بین دولت ملی و تمام اقشار جامعه خواهد بود (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵).

درواقع دولت محلی (حکمرانی استانی) گونه‌ای از حکمرانی خوب است که در راستای تمرکززدایی از تمام بخش‌های سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و... دولت ملی است. بر این اساس تمرکززدایی، بهترین راهکار برای دستیابی به حکمرانی خوب از راه گسترش حکمرانی استانی است. از نتایج و آثار تمرکززدایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. در زمینه تخصصی با عدم تمرکز تخصصی، این فرصت به نهادها و سازمان‌های محلی داده می‌شود که به صورت تخصصی به مسائل و امور منطقه‌ای خود بپردازند. ۲. با تمرکززدایی جذب و گزینش نیروهای با استعداد و متخصص بومی برای سازمان‌ها و دولت‌های محلی مهیا می‌شود تا با بکارگیری و استفاده از نیروهای بومی که شناخت بهتری به محل دارند، حل مشکلات آسان شود. ۳. با عدم

تمرکز در تصمیم‌گیری زمینه مشارکت حداکثری شهروندان در جوامع محلی گوناگون آماده می‌شود که در نتیجه سبب توسعه پایدار اقتصادی و سیاسی می‌شود. ۴. یکی از نتایج مهم تمرکززدایی کاهش فساد مالی و اداری است. پژوهش‌ها نشان داد که بین تمرکززدایی و کاهش فساد مالی ارتباط مستقیم هست (فیسمن و روبرتا، ۲۰۰۲: ۳۴۵ - ۳۲۵).

نتیجه‌گیری

طی سال‌های اخیر موضوع حکمرانی خوب و تقویت آن توسط دولت‌های محلی و نهادهای مردمی به‌عنوان نماد توسعه کشورهای پیشرفته مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در حکمرانی خوب، شبکه‌ای در هم‌تنیده از عوامل در سطوح گوناگون ملی، استانی، محلی و نهادهای مردمی و اجتماعی و بخش خصوصی وجود دارد که با یکدیگر در تعامل و همکاری هستند؛ لذا دولت‌های ملی باید ابزار و سازوکارهای لازم برای تعامل این بخش‌ها را فراهم آورند. ضروری است که این سازوکار باید غیر متمرکز و غیر متراکم باشد که تمامی شهروندان و نهادهای مردمی و دولت‌های محلی بتوانند بصورت حداکثری به ایفای نقش خویش بپردازند. در این حالت دولت‌های محلی (حکمرانان استانی) به‌عنوان بازو و رابط دولت و شهروندان باید آسان‌کننده این ارتباط باشند. دولت‌های محلی ضمن کمک به دولت ملی در نظارت بر تمام نقاط کشور، حافظ حقوق تمام اقلیت‌های جامعه مدنی نیز هستند که از این طریق با ایجاد مردم‌سالاری و عدالت اجتماعی و تعامل مشترک بین دولت محلی با دولت مرکزی است که شهروندان مناطق از توسعه پایدار، رفاه، شکوفایی اقتصادی، رشد اجتماعی و فرهنگی برخوردار می‌شوند. کارکردهای دولت محلی و حکمرانان استانی با نظر و صلاحدید دولت مرکزی است؛ البته حدود اختیارات و قلمروی کارکرد دولت محلی، به نوع نظام حکومتی (محلی، ناحیه‌ای، فدرال) و همچنین فرهنگ سیاسی جامعه و نگرش سیاستمداران و رهبران حاکم بر جامعه بستگی دارد و این عوامل از یک کشور به کشور دیگر و از یک سرزمین به سرزمین دیگر متفاوت است. دولت محلی وظیفه دارد با تمرکززدایی کامل، شرایط دستیابی به حکمرانی خوب را محقق سازد تا به این‌وسیله ضمن عینیت‌بخشی مردم‌سالاری عمومی، تا حد امکان نیز از سنگینی وظایف دولت مرکزی بکاهد.

فهرست منابع

- نهج البلاغه. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین (ع).
- آرایی، وحید (۱۳۸۸). حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی، گزارش، شماره ۶: ۴۹.
- جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه سیستم‌های نظریه باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۱۷ - ۸۵.
- حسینی تاش، سید علی و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، ش ۸: ۲۸ - ۷.
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم انداز «حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴»، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری: ۱۱۵.
- رحمت‌الهی، حسین؛ آقامحمدآقایی، احسان و شیراوند، مهران (۱۳۹۴). نقش تمرکززدایی کامل در تحقق دولت محلی کارآمد، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۹: ۷۰ - ۵۷.
- رضایی‌زاده، جواد (۱۳۸۵). حقوق اداری (۱)، تهران: نشر میزان.
- رهنورد، فرج‌الله (۱۳۸۸). مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیته نظام اداری و مدیریت: ۲.
- زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، شماره ۴۰: ۱۵۸.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۷). توسعه پایدار، تهران: انتشارات سمت.
- زرقانی، سیدهادی و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۵). حکمرانی خوب در دولت‌های محلی: تمرکززدایی، فصلنامه دولت پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۳۸ - ۱۰۷.
- شمس، عبدالحمید (۱۳۹۶). نظری بر سازماندهی حکمرانی محلی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارهای حقوقی - اداری، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۲.
- صانعی، مهدی (۱۳۸۵). حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی، مجله تدبیر، شماره ۱۷۸: ۲۶.
- کایر، آنه مته (۱۳۸۶). حکمرانی (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی: ۳.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ۶.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: ۲۶.

- نادری قمی، محمد مهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱: ۹۳ - ۶۹.
- نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی، تهران: انتشارات سمت.
- ویسی، هادی (۱۳۹۴). مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی در ایران، تهران: انتشارات سمت.

Byrne, T (1986), Local Government in Britain, Pelican Books.

Chibba, Michael (2009). Governance and Development: The current Role of Theory.

Fishman, R & Robertaa, G, (2002), "Decentralization and Corruption: Evidence across Countries", Journal of Public Economics, Vol. 83, No. 3.

Jones, M, (1988), "Restructuring the Local State: Economic Government or Social Regulation", Political Geography, Vol. 17, No. 8.

Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. J. W. b. p. r. w. p. (2003). Governance matters III: Governance indicators for 1996-2002. (3106).

Pierre ,Jon . Peters, B.Guy.(2005). Governing Complex Societies:Trajectories and Scenarios ,Palgrave.

Policy and Practice. World Economics, 10(2), 79- 108.